

# تجربیات چند کشور منتخب در حوزه توسعه و حمایت از کارآفرینی در دانشگاه‌ها

مقدمه

در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروز، کامیابی متعلق جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری برقرار نمایند. به عبارتی در عصر حاضر که آن را عصر دانایی می‌نامیم و کلیه محورهای توسعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی براساس دانایی می‌باشد. تنها راه سعادت جامعه و سازمان‌های درگیر با مسائل علمی، اقتصادی و اجتماعی که بتوانند از فرصت بدست آمده در فضای دانایی استفاده کنند و حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد، تجهیز منابع انسانی به دانش و مهارت کارآفرینی می‌باشد. با بررسی‌های تحقیقاتی بعمل آمده، برخی از کشورهای جهان که روزگاری با اقتصاد ورشکسته، مراکز علمی رشد نیافته و ثروت ملی ناچیز و سرمایه‌های ملی اندک و نهایتاً مواجه با بحران‌های بی‌شماری روبرو بودند، توانستند با برخورداری از شجاعت، تدبیر و برنامه‌ریزی‌های کلان، هدف دار و جهت مند و با به کارگیری مدیریت توسعه کارآفرینی، ظرف دهه ۷۰، ۸۰ نه تنها از وضعیت گذشته فاصله زیادی بگیرند، و اکنون جزو کشورهای صاحب نام در عرصه تکنولوژی و اقتصاد شوند. کشورهایی نظیر کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، مالزی و هندوستان که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بهبودهای کاملاً محسوس پیدا کرده‌اند اکنون قابلیت‌های جدیدی در سرمایه‌های عظیمی که آنرا منابع انسانی می‌نامند، بیش از پیش متبلور شده که در ادبیات علمی آنرا توسعه کارآفرینی و عادت‌های کارآفرینانه تلقی می‌کنند. طبق تحقیقات مستند از مراکز مطالعاتی معتبر دنیا نظیر مرکز جهانی نظاره‌گری فعالیت‌های کارآفرینی (global entrepreneurship monitoring) بایسون کالج (babson college)، دانشگاه ام‌ای‌تی (MIT) و مرکز توسعه کارآفرینی هندوستان (EDI-I) در زمینه ترویج و آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، به‌عنوان مهمترین عامل توسعه کارآفرینی در کشورهای با رشد شتابان در زمینه اقتصاد تبدیل شده‌اند. به طور نمونه در دهه‌های ۸۰-۹۰ میلادی دانشگاه‌ها بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش، نیازهای ملی، منطقه‌ای و فراملی، برنامه‌های آموزشی متعددی را برای آشنایی دانشجویان، دانش‌آموختگان و حتی سازمان‌های خصوصی و دولتی طراحی و به‌مورد اجرا درآورده‌اند.

کشور ما که با مشکلات اقتصادی مانند کمبود اشتغال پایدار و مولد، نرخ بالای تورم و سهم اندک فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مدیریت بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط و بزرگ در بخش خصوصی و پایین بودن سهم سرانه فردی از درآمدهای صادرات غیر نفتی روبرو می‌باشد. هیچ راهی جز تربیت و پرورش کارآفرینان دانامدار که بتوانند با استفاده از آموخته‌های علمی و مهارت‌های فراگرفته در مراکز ویژه کارآفرینی در محیط‌های آکادمیک منجر راه اندازی فعالیت‌های نوآورانه و با ارزش افزوده بالا شود، وجود ندارد.

## بیان اهمیت موضوع: کارآفرینی و جهانی شدن اقتصاد

امروزه مفهوم جهانی شدن تنها محدود به اقتصاد کشورها نمی‌باشد، بلکه جهانی شدن یعنی بی‌بردن به ارتباط غیر قابل انکار و نفوذ بسیار عمیق حوزه‌های علم و دانایی به پیکره هر فعالیت اعم از بسیار کوچک تا فعالیت‌های کلان در کلیه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی. بنابراین محور جهانی شدن یعنی توسعه دانایی مبتنی بر فعالیت‌های کارآفرینانه که با استفاده از خلاقیت و نوآوری پدیده‌های علمی و یافته‌های پژوهشی قابلیت تبدیل فرصت‌ها به دست‌آوردهای اقتصادی و تولید ارزش افزوده بالایی باشد. حال با توجه موج جهانی شدن، کشور با دو چالش عظیم روبرو می‌باشد: یکی رشد فزاینده جمعیت جوان تحصیلکرده دانشگاهی و خواهان شغل و دیگری نیاز کشور به فعالیت‌های اقتصادی قابل رقابت و مطرح در سطح جهان و رقابت با کشورهای پیشرفته که همانا تولید ثروت و افزایش درآمدهای ملی که براساس دانش کاربردی می‌باشد در گروسه عامل می‌باشد.

عامل اول: توسعه نیروی تحصیلکرده دانشگاهی با تلفیقی از سه حوزه کارآفرینی، مهارت و دانش محور

عامل دوم: کارآفرین محور بودن مراکز علمی و پژوهشی کشور بدین منظور که اساس شکل‌گیری نظام آموزش عالی در مراکز مربوط به این نظام از استراتژی آموزش دانش‌توریک، انتقال فن‌آوری، کاربردی کردن دانش و نهایتاً افزایش سطح مهارت‌های تخصص مربوط به حوزه دانش‌توری فرا گرفته.

عامل سوم: ترغیب و تشویق دانشجویان و دانش‌آموختگان مراکز علمی کشور. به راه اندازی فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارهای مولد همراه با ارزش افزوده. با توجه به اینکه، تغییرات به عمل آمده در سده جدید را می‌توان تغییرات

پارادیمی امید و شامل تغییرات ساختاری در سبک‌های زندگی و نظام‌های ارزشی و همینطور تحولات گسترده در نظام‌های اقتصادی و صنعتی می‌شوند. بطور کلی تغییر جهت‌های پارادیمی در قرن ۲۱ شامل ظهور اقتصاد دانش محور که براساس مدیریت نوین و علمی همراه با مهارت فرا گرفته از مرکز علمی را نوآورانه به محصول و خدمات نوینی بکند که علاوه بر برخورداری از ارزش افزوده بالا، قابلیت رقابت با کلیه محصولات و خدمات مشابه در هر نقطه از جهان داشته باشد. کشورهای دارای اقتصاد پیشرفته و دارای پایگاه‌های علمی بسیار سریع ضمن درک خلا بین حوزه علوم و دانش با مهارت بکارگیری آن در جهت اقتصادی شدن ایده‌های ناب (commercialization of novel ideas) توانستند حلقه مفقود (missed ring) که همان قابلیت‌های کارآفرینانه و هدایت نوآورانه می‌باشد را شناسایی و به شدت نسبت به تکمیل زنجیره ارزش اقدامات لازم را انجام دهند. کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران با چالش‌های بسیار در عرصه تبدیل دانش نظری و تئوریک و حتی دانش مهندسی به دانش کاربردی و نهایتاً تبدیل دانش کاربردی به محصول و یا خدمات نوین با ارزش افزوده بالا و برخوردار از قابلیت‌های رقابت‌پذیری روبرو می‌باشند.

به منظور اطلاع دقیق‌تر از وضعیت نقش نظام آموزش عالی کشور ما در توسعه کارآفرینی، تجربیات چند کشور مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب کشورها براساس دسته بندی، کشورهای پیشرفته صنعتی، کشورهایی که با رشد شتابان از اردوگاه کشورهای در حال توسعه به مرزهای توسعه یافتگی رسیده‌اند و نهایتاً کشورهای در حال توسعه که به شدت فاصله خود را با توسعه یافتگی کاهش می‌دهند، انجام پذیرفته است. هدف از ارائه تجربیات آن است که با روش مهندسی قیاس (benchmarking) آن دسته

از تجربیات که قابلیت اجرا در کشور دارند مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

## کشور کانادا

کارآفرینی به دلیل و ضرورت توسعه آن در نظام آموزش عالی و مراکز علمی در کشور کانادا از اواخر دهه ۷۰ میلادی به صورت گسترده شروع شد. شروع فعالیت‌های مربوط به آشنا سازی و ترویج کارآفرینی به دانشجویان دانشگاه‌ها و کالج ابتدا به صورت موردی و در چند دانشگاه کانادا از جمله دانشگاه تورنتو و نکور و کالج بریتیش کلمبیا شروع گردید. آشنا سازی دانشجویان با مدیریت بازار و چگونگی طراحی یک مانیفست تجاری (BP) و محاسبات مربوط به هزینه‌های راه اندازی یک کسب و کار کوچک، جز اولین دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های کانادا بود. در سال ۱۹۸۰ مدیریت اجرایی مشاغل کوچک کانادا (Administration small business) به عنوان مرکزیت تهیه برنامه کلان، توسعه از کارآفرینان و همچنین توسعه کارآفرینی و آموزش‌های مربوط به آن در مراکز علمی (دانشگاه‌ها) کانادا رابه عهده گرفت که البته عمده برنامه‌های این مرکز به نوعی حمایت‌های مالی و پشتیبانی از راه اندازی مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها بود. دانشگاه‌ها در اجرای برنامه‌ها متنوع در خصوص تعیین نوع آموزش‌ها و روش‌های آن استقلال عمل کامل دارند. در حال حاضر تا پایان سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۳۳ مرکز کارآفرینی در ۳۴ دانشگاه کانادا وجود دارد که براساس استراتژی (از شناخت ایده تا کسب سود) در ارتباط با توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها فعالیت دارند. اهم برنامه‌های زنجیره وار توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کانادا به شرح زیر می‌باشد.

۱- دوره‌های کوتاه مدت ۳ الی ۴۰ روزه در ارتباط با آشنایی با مفاهیم کارآفرینی، آشنایی با تفکر کارگروهی تکنیک‌های حل مسئله، ایده‌سازی و تحلیل محیط کسب و کار.

۲- ارائه مشاوره‌های علمی - مدیریتی و پژوهشی به دانشجویان صاحب ایده.

۳- تأمین کارگاه‌های خاص چگونگی تبدیل ایده

به فعالیت‌های اقتصادی تحت عنوان مهندسی تجاری سازی ایده از طریق نوشتن طرح تجاری.

۴- تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز کارآفرینان دانشجو توسط مرکز کارآفرینی که موفق به اقتصادی کردن ایده خود شده‌اند.

۵- کمک به معرفی ایده‌های اقتصادی کارآفرینان به صاحبان سرمایه مخاطره‌آمیز (VC)

۶- اخذ وام و اعتبار برای آن دسته از دانشجویان کارآفرینی که طبق نظریه شورای مشورتی مرکز کارآفرینی از لحاظ قابلیت‌های کارآفرینی قادر به ایجاد و راه اندازی کسب و کار می‌باشند. بانک

توسعه کارآفرینی کانادا بزرگترین حامی تأمین وام و اعتبار برای کارآفرینان دانشگاهی می‌باشد.

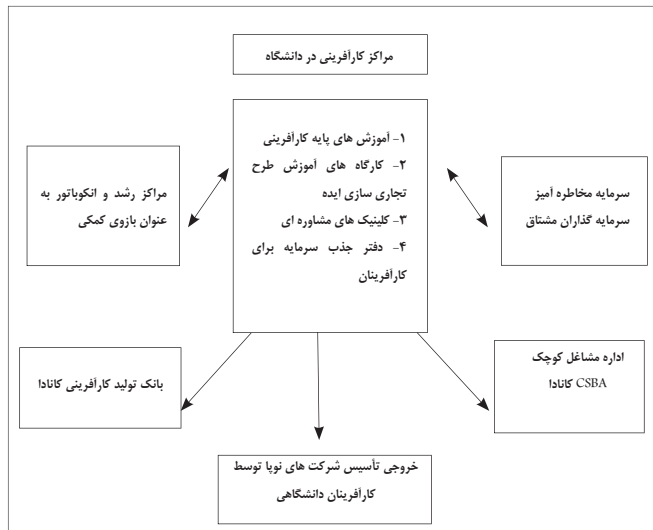
۷- فقط ۱۰ درصد از کل هزینه‌های مربوط به دانشجویان کارآفرینان از آنها برای تبدیل ایده خود به فعالیت اقتصادی استفاده می‌کنند، از دانشجویان دریافت می‌شود.

۸- مراکز کارآفرینی در دانشگاه دارای دو کلینیک مشاوره‌ای کاملاً تخصصی و حرفه‌ای می‌باشند.

الف) کلینیک حقوقی (legal clinic) در این کلینیک بهترین مشاورین حقوقی مسئولیت راهنمایی به دانشجویان کارآفرین در خصوص آشنایی با مجموعه قوانین و حقوق مربوط به کسب و کار و مالکیت معنوی را تا زمانی شروع عملی کسب و کار به عهده دارند.

ب) کلینیک مشاوره‌های مدیریتی و تخصصی: در این کلینیک به دانشجویان کارآفرین در امور بازاریابی، روش‌های به کارگیری سرمایه و سایر موارد مربوط که به پیشرفت شرکت‌های نوپا کمک می‌کند و از جمله امکانات مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها می‌باشد که در اختیار دانشجویان قرار دارد.

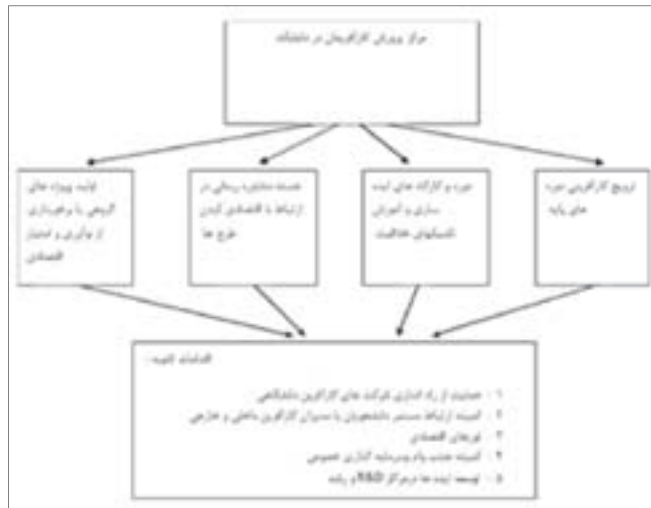
شکل ۱- نقش مراکز کارآفرینی در دانشگاه در توسعه کارآفرینی تحت استراتژی در کشور کانادا (از درک کارآفرینی تا فعالیت های کارآفرینی)



۹- مراکز کارآفرینی به منظور تضمین، حفظ و تداوم ایده های نوآورانه و فعالیت هایی که نیاز به مراکز تحقیقاتی پیشرفته و امکانات گسترده تکنولوژیکی برای تبدیل به محصول و یا خدمات داشته باشند و دانشجویان کارآفرین که موفق به ایجاد شرکتهای نوپا در این راستا شده اند را به مراکز رشد و انکوباتورهای پیشرفته برای شبیه سازی (پایلوت) ایده های فنی خود معرفی می کنند. وظایف مراکز رشد و انکوباتورها عمدتاً در این ارتباط به شرح زیر می باشد:

- تأمین امکانات پژوهشی و تحقیقاتی در دو بعد سخت افزار و نرم افزار
- برخورداری از افراد متخصص و صاحب نظر در حوزه های تکنولوژی به منظور هدایت پژوهش ها و تحقیقات کاربردی
- تأمین و جذب سرمایه برای صاحبان نوآوری هایی که از قابلیت اقتصادی برخوردار می باشند.
- براساس مطالعات به عمل آمده توسط OECD در سال ۲۰۰۴ میلادی به واسطه کارکرد مناسب مراکز کارآفرینی در دانشگاههای کانادا، میانگین ثبت شرکت های نوپا توسط دانشجویان در ۳۴ دانشگاه کانادا در بین سالهای ۱۹۹۹ میلادی تا پایان ۲۰۰۳ بالغ بر ۶۹ درصد بوده است که ۲۹

فرآیند اقدامات ترویج و توسعه و پرورش کارآفرین در دانشگاه های مالزی



برنامه های کلان برای تربیت، توسعه و حمایت از کارآفرینان می باشد.

شروع فعالیت های توسعه کارآفرینی در دانشگاه های مالزی در سال ۱۹۹۶ میلادی ابتدا با راه اندازی چند مرکز کارآفرینی در دانشگاه های فنی و مهندسی و دانشگاه های تخصصی مربوط به رشته های بازرگانی شروع گردید. تهیه چند واحد درسی به صورت اختیاری از فعالیت های اولیه مراکز کارآفرینی در مالزی بوده است. سپس دوره های گسترده کوتاه مدت توسط مراکز پرورش کارآفرینی در دانشگاه های مالزی از سال ۲۰۰۰ میلادی برای دانشجویان رشته های غیر مرتبط با مدیریت و اقتصاد و مهندسی بصورت دروس اختیاری به اجرا درآمد. در مقاطع کارشناسی ارشد در حوزه های مدیریت صنعتی، MBA و مدیریت بازرگانی، علاوه بر دروس کارآفرینی به عنوان واحدهای اجباری، گرایش های رشته ای نیز تحت عنوان کارآفرینی (به طور نمونه مدیریت بازرگانی گرایش برنامه ریزی کارآفرینی) از سال ۲۰۰۱ در دانشگاه های مالزی به مرحله اجرا درآمد.

در سال ۲۰۰۲ کمیته نظارت بر فعالیت های کارآفرینی در دانشگاه ها که تحت نظر وزارت توسعه کارآفرینی فعالیت دارد، با توجه به تحقیقاتی میدانی به عمل آمده درخصوص بررسی نتایج ۵ ساله برای مراکز پرورش کارآفرینی در دانشگاه ها، مشخص گردید که هدف اولیه مراکز که همانا ترویج فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه ها بوده است. نتوانسته مالزی را با توجه به در نظر گرفتن (اقتصاد دانایی محور) از لحاظ برخورداری جامعه از کارآفرینان مجرب و با انگیزه بالا تربیت کنند. در حقیقت تنها حلقه موجود از زنجیره مفقوده در پرورش کارآفرینی در دانشگاه های مالزی فقط ترویج فرهنگ کارآفرینی بوده است. براساس همان تحقیق، از میان ۷۵۰ دانشجو که در رشته های مدیریتی و مهندسی که تمام دوره ها را در ۳ دانشگاه مالزی فرا گرفته بودند، فقط ۱۱/۷ درصد یعنی حدود ۸۷ نفر توانستند نسبت به ایجاد شرکت های نوپا و فعالیت های خود اشتغالی اقدام نمایند. در صورتی که براساس معیارهای جهانی که توسط موسسه GEM در خصوص تأثیر آموزش های کارآفرینی و پرورش کارآفرینان دانشگاهی اعلام گردیده است (۲۰۰۳-۲۰۰۲ GEM report) حداقل میانگین مناسب برای شروع کسب و کارهای مورد اشتغال برای فارغ التحصیلان دانشگاهی که دوره های متعدد و کامل کارآفرینی را قرار گرفته اند. باید حدود ۴۴ درصد باشد. شورای سیاستگزاری کارآفرینی و آموزش کارآفرینی به دانش آموزان دانشگاهی به شرح

زیر اعلام داشت:

- ۱- کمک به کارآفرینان برای شناخت جامعه شناسی مشتری و بازار
- ۲- راه اندازی هسته های مشاوره ای برای طراحی کسب و کار تجاری
- ۳- کارگاه های تولید ایده و پرورش ایده های نوآوری
- ۴- دوره های ویژه با کمک مدیران کارآفرین با تجربه مالزی جهت شناخت راهکارهای رقابت و رقابت پذیری
- ۵- تشویق دانشجویان به انجام پروژه های مشترک اقتصادی
- ۶- تشویق دانشجویان به راه اندازی شرکت های اقتصادی
- ۷- اخذ وام های ویژه برای کارآفرینان موفق در تجاری سازی ایده خود
- ۸- معرفی کارآفرینان برخوردار از ایده های نوآورانه با تکنولوژی بالا به پارک های فن آوری برای پرورش عملیاتی ایده های خود و تبدیل ایده به محصول و یا خدمات و نهایتاً جذب سرمایه گذاری از طریق بازار سرمایه

فرآیند اقدامات ترویج و توسعه و پرورش کارآفرین در دانشگاه های مالزی

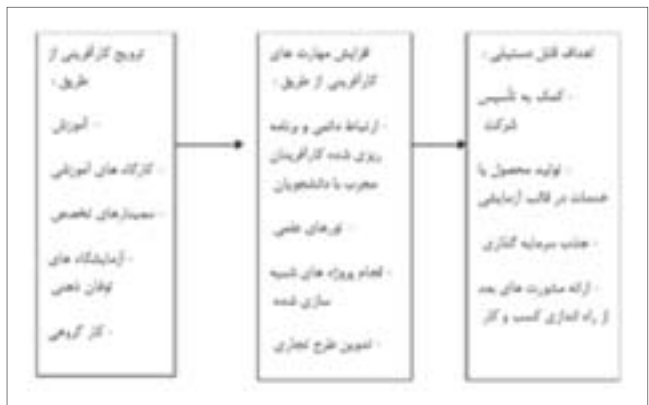
نکته ویژه در مورد مالزی

از مهمترین دلایل تغییر خط مشی و اهداف توسعه کارآفرینی در مالزی که در سال ۲۰۰۲ کاملاً بازنگری گردید را می توان به شرح زیر اعلام داشت:

- ۱- ترویج کارآفرینی و گذراندن دوره های عمومی و کوتاه مدت که بیشتر بر روی مفاهیم اولیه کارآفرینی متمرکز می باشد، انگیزه لازم را برای تشویق دانشجویان به شروع فعالیت های کارآفرینانه به وجود نمی آورد.
- ۲- دوره ها و کارگاه های آموزشی در جهت افزایش مهارت های کارآفرینانه نبوده است.
- ۳- تأثیر دوره های آموزشی بر روی افزایش مهارت های کارآفرینانه بسیار ضعیف بوده است.
- ۴- هیچگونه اقدام موثر و ساز و کار های لازم برای هدایت کارآفرینان دانشگاهی به ایجاد و راه اندازی کسب و کار (شرکت های اقتصادی) برای مرکز پرورش کارآفرینی تعریف نشده بود.

کشور انگلستان

در انگلستان تا قبل از سال ۲۰۰۴ میلادی توسعه کارآفرینی در دانشگاه ها به صورت مستقل و با توجه به ضرورت ترویج، توسعه و آموزش مهارت های کارآفرینی در میان دانش آموزان دانشگاهی که به طور عمده در کالج ها و دانشکده های مربوطه به رشته های مدیریت بازرگانی و یا MBA بود،



بدون برخورداری از یک سیاست کلان کشوری انجام می‌شد. مراکز کارآفرینی در دانشگاه های آکسفورد، ییل، لیورپول و یورکسایر دارای سابقه طولانی (از سال ۱۹۹۱) میلادی می‌باشد. مجموعه مطالعات در مورد این دانشگاه‌ها نشان داده است که تمرکز مراکز کارآفرینی و یا مراکز آشنایی با راه‌اندازی کسب و کار، عمدتاً بر روی افزایش دانایی‌ها علمی، افزایش مهارت‌های مخصوص کسب و کارهای رقابتی و تشویق و ترغیب دانشجویان همراه با حمایت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای اقتصادی کردن نوآوری می‌باشد. از سال ۲۰۰۴ میلادی دولت انگلستان با توجه به تغییرات وسیع در حوزه کسب و کارهای برخورداری از ارزش افزوده بالا و نیاز به توسعه شرکت‌های که قادر باشند نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک را سریعاً به تولید محصول و خدمات با ارزش افزوده بالا با قابلیت رقابت در اقتصاد جهانی تبدیل نمایند. باعث گردید تا توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط بر پایه کارآفرینان عملکردی و دانا محور به عنوان یکی از اهداف توسعه منابع انسانی مورد توجه قرار گیرد و در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴ شورای ملی کارآفرینان دانشگاهی NCGE با اهداف زیر تشکیل شود:

- ۱- ترویج فرهنگ کارآفرینی
- ۲- توسعه مهارت‌های کارآفرینانه
- ۳- توسعه فعالیت‌های کارآفرینی تحت عنوان از یادگیری تا کسب درآمد
- ۴- جهت فعالیت‌های مراکز توسعه و پرورش کارآفرینان دانشگاهی تا تأسیس کسب و کارهای خود اشتغالی و شرکت‌های SME
- ۵- شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری هدایت دانشجویان کارآفرین به طرف ایجاد کسب و کار در جهت بازارهای شناخته شده
- ۶- ارائه مشورت‌های دائمی از طرف اتاق بازرگانی به دانشجویان کارآفرین
- ۷- ایجاد کلینیک‌های مشاوره‌ای در ارتباط با نوآوری، بازاریابی و مسائل تکنولوژی و حمایت از پژوهش‌های مربوطه
- ۸- اخذ اعتبارات و پشتوانه مالی از قبیل جذب سرمایه از بازار سرمایه
- ۹- برقراری ارتباط بین شرکت‌های نوپای کارآفرینان دانشگاهی با مراکز رشد و انکوباتورهای تخصصی مستقر در دانشگاه و بیرون از دانشگاه به منظور توسعه نوآوری‌ها تا مرحله تبدیل به محصول.
- ۱۰- تربیت مربیان و مدرسین تخصصی مربوط به حوزه کارآفرینی و کسب و کارهای نوآورانه.

**کشور استرالیا**

استرالیا از جمله کشورهایی می‌باشد که به توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های این کشور به صورت خود جوش و در ابتدا توسط دانشگاه ویکتوریا (Victoria) و سپس توسط دانشگاه بلاموت (Blomte) در سال ۱۹۸۵ میلادی با هدف ترویج فرهنگ کارآفرینی و آشنایی دانشجویان (خصوصاً دانشجویان رشته‌های مدیریت و مهندسی)، با کارآفرینی بوده است. بین سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۰، برنامه‌های ترویج محدود به دوره‌های کوتاه مدت میانی کارآفرینی و تهیه طرح تجاری بوده است ولی از سال ۱۹۹۱ میلادی با توجه به رشد سریع اقتصادی و همچنین رشد سریع و کیفی دانشگاه‌های استرالیا و اهمیت فوق‌العاده استفاده از تحقیقات و پژوهش‌های گسترده و

خصوصاً توجه‌خاص به اقتصادی کردن دستاوردهای پژوهشی و فن‌آوری‌های نوآور شده، تربیت کارآفرینان دانشگاهی دانا محور و نوآور به شدت مورد توجه دانشگاه‌های استرالیا قرار گرفته است. به طوری که براساس آخرین تحقیقات به عمل آمده توسط موسسه دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM) که در گرایش ۲۰۰۴ خود در مورد استرالیا آورده است، از میان هر ۱۰۰ نفر کارآفرین موفق در استرالیا بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ میلادی، ۲۲ نفر کارآفرینی می‌باشند که آموزش، کسب مهارت‌های لازم کسب و کار و همچنین راه‌اندازی کسب و کار را با کمک مراکز کارآفرینی دانشگاهی استرالیا قرار گرفته‌اند. براساس همین گزارش دولت استرالیا در اواخر سال ۲۰۰۴ نسبت به تشکیل شورای ملی توسعه کارآفرینی، نوآوری و شرکت‌های کوچک و متوسط تحت نظر نخست‌وزیر استرالیا اقدام نموده است که اهداف اصلی این شورا به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- اجباری کردن آموزش کارآفرینی برای تمام گروه‌های دانشگاهی
- ۲- افزایش مهارت‌های کارآفرینی خصوصاً در ارتباط با تبدیل ایده‌های نو به کسب و کارهای اقتصادی
- ۳- افزایش توان مدیریتی کارآفرینان به منظور افزایش قابلیت‌های لازم مقابله با نوسانات محیط (رقابت، کمبود سرمایه، بازاریابی)
- ۴- بالا بردن توان ایده‌های نوآورانه دانشجویان و آشنایی با تجاری‌سازی طرح‌های نوآورانه
- ۵- شناساندن دست‌آوردهای کارآفرینان برخوردار از طرح‌های تجاری ناب به سرمایه‌گذاران
- ۶- تشویق کارآفرینان دانشگاهی به انجام کارهای گروهی و تشکیل گروه‌های اقتصادی در حد کوچک و متوسط
- ۷- هدایت دانشجویان به فعالیت‌های خود اشتغالی و تأسیس شرکت‌های دانش بنیان

**نکته مهم در استرالیا**

کمبود مهارت‌های کارآفرینانه در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی و عدم برخورداری نظام آموزش عالی استرالیا از توسعه همه‌جانبه کارآفرینان دانشگاهی خصوصاً راهکارهایی که بتواند منجر به توسعه فعالیت‌های خود اشتغالی و کسب و کارهای با ارزش افزوده بالا شود و مهمتر اینکه عدم برخورداری لازم دانشگاه‌های استرالیا از مربیان و متخصصین کارآفرین باعث گردیده است که شورای ملی توسعه کارآفرینی در یک برنامه ضربتی و با کمک دانشگاه آنتفورد آمریکا در یک دوره ۱/۵ ساله نسبت به تربیت ۱۲۵۰ متخصص و مربی درجه یک کارآفرینی به منظور هدایت نوآوری دانشجویان کارآفرین به فعالیت‌های شغلی با ارزش افزوده بالا-که از سال ۲۰۰۴ شروع شده است. اقدام نماید. ضمناً یکی دیگر از اهداف دولت استرالیا بالابردن سهم کارآفرینان دانش‌آموخته دانشگاهی در راه‌اندازی شرکت‌های کوچک واحد SME در استرالیا فقط ۲۲/۱٪ آن متعلق به کارآفرینان دانش‌آموخته دانشگاهی می‌باشد که طبق گزارش GEM باید برای پرکردن فعالیت‌های نوآورانه و تأثیر آن در اقتصاد استرالیا به رقم ۲۵ درصد برسد.

راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد و دکتری کارآفرینی که از سال ۲۰۰۴ شروع شده است. از برنامه‌های دیگر شورای ملی توسعه کارآفرینی در

**کشور هندوستان**

استرالیا می‌باشد. سابقه حمایت از کارآفرینی و توسعه کارآفرینان در بخش‌های مختلف اقتصادی به سال‌های ۱۹۶۰ بر می‌گردد. برنامه‌های گسترده از ترویج، توسعه و آموزش مهارت‌های کارآفرینی در هندوستان جزو برنامه‌های کلان توسعه (برنامه‌های پنج ساله) هندوستان می‌باشد. که عمدتاً متمرکز بر هدایت کارآفرینان جامعه به طرف ایجاد کسب و کارهای کوچک می‌باشد. در هندوستان بیش از ۶۴ سازمان، موسسه و کمیته‌های دولتی در ارتباط با توسعه کارآفرینی وجود دارد. علاوه بر آن سه نهاد بزرگ مالی مانند بانک توسعه صنایع کوچک (SDBI)، بانک توسعه صنعت و صندوق حمایت از کارآفرینان در ارتباط با آموزش مهارت‌های کارآفرینی و حمایت‌های مالی از آنان جهت توسعه فعالیت‌های درآمدزا حمایت می‌کنند.

کارآفرینی در دانشگاه‌های هند شوی ملی علوم، تکنولوژی و کارآفرینی در هندوستان (NSTEDB) تنها مرکز تخصصی جهت ترویج و توسعه کارآفرینی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز نوآوری‌های دانشگاهی هند می‌باشد. دولت مرکزی هندوستان از طریق این شورا فعالیت‌های ترویج، توسعه و آموزش مهارت‌های کارآفرینی و تربیت کارآفرینان فن‌آور محور (technopenevrs) را در رأس کارهای خود قرار داده است.

اهداف کلان این شورا در دانشگاه‌ها عبارتند از:

- ۱- تربیت کارآفرینان تکنولوژی محور به منظور توسعه نوآوری‌های کارآفرینان دانشگاهی
- ۲- توسعه فرهنگ تحقیق و نوآوری در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی
- ۳- فراهم آوردن امکانات تبدیل نوآوری‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی به تولید محصول و خدمات
- ۴- فراهم آوردن امکانات مالی و اقدام در جهت تأمین نیازهای مالی کارآفرینان پس از موفقیت آنان در تجاری‌سازی طرح‌های خود.
- ۵- ارائه مشاوره‌های تخصصی به صورت دائمی به کارآفرینان دانشگاهی
- ۶- تقویت مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی، مدیریت مالی و مدیریت فن‌آوری دانش‌آموختگان کارآفرین دانشگاهی

۷- حمایت همه‌جانبه از کارآفرینان دانشگاهی به منظور تأسیس شرکت‌های مدرن کوچک و متوسط

۸- تربیت مربیان و مدرسین کارآفرینی

۹- جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی بر روی پروژه‌های مطرح کارآفرینان دانشگاهی

۱۰- فراهم آوردن امکانات سخت‌افزاری تکنولوژی و لابراتورهای پیشرفته برای پیاده‌سازی پروژه‌های کارآفرینی

در حال حاضر ۷۵ مرکز توسعه کارآفرینی تحت عنوان مراکز توسعه کارآفرینان تکنولوژی مدار در دانشگاه‌های فنی-مهندسی هندوستان از سال ۱۹۸۴ میلادی مشغول فعالیت می‌باشند. علاوه بر این مراکز، تمامی دانشگاه‌های هند، دانشجویان علاقمند به مباحث کارآفرینی را می‌توانند به ۳۴ مرکز پشتیبانی از کارآفرینان که عمدتاً دولتی می‌باشند، را برای گذراندن دوره‌های مقدماتی، پیشرفته و تخصصی ویژه معرفی کنند و کلیه هزینه‌های این دوره توسط دولت پوشش داده می‌شود.

فرآیند توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی هند بر مبنای گام‌های استراتژیکی زیر می‌باشد. گزارش ویژه OECD درخصوص آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه - تجربه کشور اروپایی: سازمان OECD از جمله مراکز مهم می‌باشد که سالیانه تحقیقات گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی در کشورهای عضو اصلی و عضو علی‌البدل ( نظیر ترکیه و بلغارستان ) انجام می‌دهد و از لحاظ مرجع علمی در سطح قابل قبولی برای تحلیل در مطالعات دانشگاهی به شمار می‌آید. در گزارش مربوط به آموزش کارآفرینی (Entrepreneurship Education) و نقش آن در اقتصاد که در مورد ۷ کشور اروپایی در سال ۲۰۰۳ انجام گرفته است، علاوه بر بررسی نقش آفرینی در نظام آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای (vocational Training) راهکارهای پیشنهادی را برای بهبود این فرآیند مهم در کشورهای مذکور ارائه داده است که با توجه به وضعیت کشور ایران قابلیت الگوبرداری از تجارب کشورهای منتخب و استفاده از تحلیل‌های آن را دارد.

ادامه دارد...

